

داگاه جنایی

سایه مرگ بر سر قاتل
اتاقک نگهبانی
در بزم شبانه

پسر جوان که در بزم شبانه در اتاقک نگهبانی دست به قتل زده بود به اعدام محکوم شد.

به گزارش گروه حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۲۰ دی ماه سال ۱۴۰۰ به دنبال کشته شدن پسر ۲۲ ساله‌ای به نام نیما که نگهبان یک کارگاه در خیابان فداییان اسلام بود آغاز شد.

شواهد نشان می‌داد پسر جوان در بزم شبانه‌ای که در اتاقک نگهبانی کارگاه به راه انداخته بود با یکی از میهمانان به نام پیمان درگیر شده و هدف ضربات چاقو قرار گرفته است.

بدین ترتیب با پیگیری مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه، جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران پلیس به بازجویی از شاهدان پرداخته و متهم فراری را ردیابی کرده و صبح روز بعد کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران با اقدامات فنی و پلیسی پیمان ۲۱ ساله را بازداشت کردند. متهم پس از دستگیری به درگیری با قربانی در بزم شبانه اعتراف کرد و گفت: در بزم شبانه در دفاع از خودش نیما را کشته است.

وی به بازسازی صحنه جرم پرداخت و در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در دادگاه

در آن جلسه دایمی قربانی که تنها ولی دم بود درخواست قصاص را مطرح کرد و گفت: منم یا انگیزه سرعت، خواهرزاده‌ام را بی‌رحمانه کشته و با دروغگویی سعی در اثبات بیگناهی خود دارم. من شک ندارم انگیزه او از قتل سرعت بوده است. به همین خاطر من حاضر به گذشت نیستم و برای او قصاص می‌خواهم. سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و اتهام قتل را گردن گرفت.

تشریح جنایت در بزم شبانه

وی گفت: آن روز یکی از دوستانم به نام مرتضی سراغم آمد و با بیان اینکه یکی از دوستانش به نام نیما که نگهبان یک کارخانه است میهمانی شبانه راه انداخته است از من خواست تا همراهش به میهمانی بروم. ما با هم به آنجا رفتیم و بعد از چند ساعت وقتی مرتضی خواب بود نیما سراغم آمد. او که حال طبیعی نداشت از من خواست تا لباس هام را در بیاورم. او اسیر وسوسه‌های شیطانی شده و می‌خواست مرا آزار دهد که مقاومت کردم. اما نیما به رویم چاقو کشید و می‌خواست با تهدید مرا مجبور کند تسلیم خواسته شوم.

وی ادامه داد: پیمان یک لحظه به سمت حمله و پیراهنم را پاره کرد تا اینکه چشمم به چاقویی افتاد که کنار بخاری قرار داشت. من برای دفاع از خودم چاقورا برداشتم و چند ضربه به او زدم. سپس فرار کردم.

متهم به قصاص گفت: پاور کنید اگر نیما را زنده بودم احتمالاً در آن میهمانی کشته می‌شدم. من اصلاً نیما را نمی‌شناختم و هیچ خصومتی با او نداشتم. من فقط همراه دوستم به میهمانی رفته بودم که گرفتار شدم.

سپس وکیل وی به دفاع پرداخت و گفت موکلش در دفاع از خودش دست به قتل زده است.



در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده، ادعای پیمان مبنی بر دفاع مشروع را نپذیرفتند و وی را به قصاص محکوم کردند. با اعتراض متهم به حکم صادره، پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور حکم قصاص پیمان را تأیید کردند.

۴ دزد بار ثروت خود را بستند

دزدی میلیاردی
در ولنجک تهران

علی چاهه / دزدان حرفه‌ای خیلی باکلاس، کاوصندوق خانه لاکچری ولنجک را باز کردند و با هزاران دلار یک شبه ثروتمند شدند.

پلان عجیب

سمند را روبه‌روی خانه پارک کرده و با خونسردی هرچه تمام‌تر و بدون اینکه ترسی از گیر افتادن داشته باشند از دیوار خانه بالا رفته و به داخل واحد طبقه دوم ساختمانی در خیابان شاره‌ها ولنجک برای دزدی میلیاردی وارد می‌شوند.

پنجشنبه ۷ اردیبهشت ماه بود و عقربه‌های ساعت عدد ۵ بعد از ظهر را نشان می‌داد که مالباخته به خانواده‌اش زنگ زده و به آنها می‌گوید برای گردش و تفریح آخر هفته، آماده شده، تا بعد از رسیدن او حرکت کنند. سرانجام نیز ساعت قدی خانه، صدایش بلند شده و عقربه‌ها دقیقاً روبه‌روی یکدیگر قرار گرفته بودند که رامین، خبر رسیدن خود را به خانواده‌اش که ساکن طبقه دوم ساختمانی در منطقه اعیانی نشین ولنجک تهران هستند، می‌دهد.

ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه می‌شود و بی‌آنکه بدانند یک تفریح چند ساعته چه مصیبتی برای آنها به بار خواهد آورد از مقابل در خانه حرکت می‌کنند.

کارواش، رستوران، مجتمع تجاری و در نهایت برگشتن به خانه که موقع رسیدن، دنیا روی سر مرد صاحبخانه آوار می‌شود.

پنجره رو به پذیرایی باز و همه خانه به هم ریخته است. گویا دزد به خانه زده است و با بی‌رحمی تمام در هر سوراخ سسمه‌ای برای پیدا کردن اشیای گرانبها دست کرده‌اند و به مابقی اجناس نیز آسیب زده‌اند.

دزدان آنقدر حرفه‌ای بوده‌اند که حتی کاوصندوق خانه را با وجود داشتن رمز دیجیتال با روش‌های خاص خود باز کرده و در کمتر از یک ساعت، بیش از ۴۰ هزار دلار، ۱۰ ساعت با قیمتی بیش از ۵ هزار دلار، مقداری طلا و جواهر، اسناد ملکی از قبیل سند خانه، ویلا، ماشین بنز، ماشین بی‌ام و... با یکی از چمدان‌های صاحبخانه با خود از خانه خارج می‌کنند.

رامین به سرعت با پلیس ۱۱ تماس گرفته و جزئیات این دزدی را اطلاع می‌دهد و گشت پلیس کلانتری ۱۶۳ ولنجک خود را به محل رسانده و صورتجلسه این دزدی را ثبت می‌کند. پرونده در اختیار مأموران پایگاه یکم پلیس آگاهی قرار گرفته و تحقیقات برای دستگیری این دزدان حرفه‌ای منزل در دستور کار قرار می‌گیرد.



پنجره رو به پذیرایی باز و همه خانه به هم ریخته است. گویا دزد به خانه زده است و با بی‌رحمی تمام در هر سوراخ سسمه‌ای برای پیدا کردن اشیای گرانبها دست کرده‌اند و به مابقی اجناس نیز آسیب زده‌اند.



معلم سیستان و بلوچستانی

را در هفته معلم به رگبار گلوله بستند

معلم سیستان و بلوچستانی را در هفته معلم در خیابان به رگبار بستند و کشتند. حسین مهدی پور، معلم فعال در منطقه مرزی ریمدان (مرز ریمدان-گبد) در شهرستان دشتیاری واقع در استان سیستان و بلوچستان در هفته معلم به قتل رسید. این معلم جوان، چهارروز پیش بعد از خروج از مدرسه و زمانی که در انتظار خودرو مسافرش برای رفتن به منزل بود از سوی افرادی به رگبار گلوله بسته شد. پیکر غرق در خون این معلم را به بیمارستان امام علی (ع) منتقل کردند ولی کمک‌های امداد پزشکی برای نجات وی مؤثر نشد و این معلم جان باخت. تحقیقات پلیسی در خصوص قتل معلم در اداره آگاهی منطقه ادامه دارد تا ابعاد این جنایت فاش شود.

بیت کوین‌هایی که دل‌ها را بی‌رحم کردند

شکنجه گروگان با اتوی داغ

۳ کروگانگیر خشن که پس از اجرای ستازیوی کروگانگیری مرد جوانی را ربوده و او را با اتوی داغ شکنجه داده بودند شناسایی و دستگیر شدند.

سینا، فرید و ارسطو سه متهم جوان هستند که در جریان اختلاف مالی و کلاهبرداری شرکت هرمی یکی از سردسته‌های این شرکت را شناسایی کرده بودند نقشه ربودن او را در گیانمهر کرج به اجرا درآوردند.

این سه مرد سرور که پس از ربودن مرد جوان او را بیدست شکنجه داده بودند در کمتر از ۲۴ ساعت با تلاش کارآگاهان جنایی استان البرز شناسایی و دستگیر شدند.

سرهنگ شجاعی رئیس پلیس آگاهی استان البرز درباره این پرونده به خبرنگار «ایران» گفت: هنگام ربودن مرد جوان تعدادی از رهگذران شاهد ماجرا بودند که خیلی زود به پلیس آگاهی گزارش کردند و کارآگاهان توانستند در کمترین زمان ممکن این افراد را شناسایی و بازداشت کنند.

گفت‌وگو با رئیس باند گروگانگیری

چند سال داری؟

۳۲ سال

چه شد که تصمیم گرفتی دست به آدم ربایی بزنی؟ من دو دوستم در شرکت بیت کوین وابسته به یک شرکت هرمی عضو بودیم وقتی شاهد کلاهبرداری شدید فردی را که از لحاظ ما از ارکان آن شرکت بود شناسایی کردیم و او را گروگان گرفتیم تا حق ما را بدهد.

چرا گروگان را شکنجه دادید؟

او ما را تهدید می‌کرد و اصلاً زیربار کلاهبرداری نمی‌رفت برای همین او را شکنجه دادیم و این هم سخت پشیمان هستیم گاش از راه صحیح و از طریق قانون دنبال گرفتن حق خود بودیم. سابقه کیفری دارید؟

خیر اصلاً



رفیق کشی که در مراسم ختم حضور داشت

شلیک شیشه‌ای

معصومه مرادپور / شیشه کشیده بودم و از آنجایی که مدتی بود ناصر را مردی شیطانی تصور می‌کردم با تفنگ شکاری‌ام به سراغش رفتم و او را در کارگاهش با شلیک دو تیر به صورتش کشتم...

مرد شیشه‌ای که در جریان توهم ناشی از شیشه دست به ماشه شده و رفیق قدیمی‌اش را با شلیک دو گلوله به قتل رسانده بود با تلاش کارآگاهان جنایی در شمال کشور بازداشت شد.

به گزارش اختصاصی خبرنگار جنایی «ایران» رسیدگی به این پرونده از اوایل اسفند ماه به پارسال از وقتی شروع شد که زن جوانی به همراه پسرش به اداره پلیس آگاهی استان البرز مراجعه کرد و مدعی شد که شوهرش به نام ناصر ۴۴ ساله از دیروز که به محل کارش رفته است از او خبری ندارد...

خبرلی زود تیمی از کارآگاهان جنایی برای کشف ناپدید شدن مرموز مرد تجار تشکیل شد. کارآگاهان در نخستین گام به محل کار ناصر رفتند و با در بسته کارگاه چوب بری در ناصرشهر کرج روبه‌رو شدند اما با این حال رئیس دایره جنایی دستور داد کارآگاهانش وارد نجاری شوند تا شاید سرنخی به دست بیاورند.

با شکستن قفل در و باز شدن در کارگاه مأموران پلیس با جسد غرق در خون ناصر که وسط کارگاه روی زمین افتاده بود روبه‌رو شدند. خیلی زود بازپرس کشیک قتل، خودش را به صحنه جنایت رساند و در نخستین گام دستور داد جسد ناصر به پزشکی قانونی منتقل شود.

رفتا مرموز یک دوست قدیمی

ناپدید شدن مرموز و ناگهانی فریدون دوست خانوادگی مقتول که در مراسم تشییع دوستش زحمات زیادی کشیده بود باعث شد کارآگاهان به او مظنون شوند. خودروی سرعت شده مقتول نیز که دو روز بعد از پیدا شدن جسد در محل زندگی‌اش رها شده بود ظن پلیس را بیشتر کرد چرا که مدارکی در آن وجود داشت که نشان می‌داد سناریوی قتل ناصر توسط یک آشنا طراحی و اجرا شده است.

نگاه کارشناس

فاطمه نورا جواد

کارشناس ارشد روانشناسی

شیشه یا همان کریستال، یکی از پرمصرفترین مواد مخدر در میان معتادان است که عوارض وحشتناکی را به همراه دارد. این ماده علاوه بر ایجاد مشکلات جسمی سبب ایجاد جنون و بدبینی در فرد مصرف کننده شده و موجب تحلیل رفتن مغز انسان به مرور زمان می‌شود.

افراد که به مصرف شیشه روی آورده‌اند، ممکن است در روزهای اول دچار توهم و هذیان نشوند؛ اما با شدت گرفتن مصرف و افزایش دوز شیشه، بتدریج فرد معناد شاهد بروز اتفاقات بیرونی و غیرواقعی می‌شود. به دنبال آن، فرد مصرف‌کننده غرق در افکار غیر واقعی می‌شود تا جایی که دیگر شرایط واقعی برای وی جذابیتی نداشته و اتفاقات غیرواقعی را جایگزین اتفاقات طبیعی می‌کند. در خصوص رابطه توهم و هذیان ناشی از مصرف شیشه باید بگوییم که این مشکلات خود به خود به وجود نمی‌آیند و حاصل اتفاقات واقعی است که در محیط فرد مصرف کننده رخ می‌دهد. فرد معتاد هنگام تماشای تلویزیون ممکن است پس از مدتی دچار این توهم شود که مخاطب تلویزیون خود او است و می‌تواند با آن ارتباط برقرار کرده و مشغول به صحبت شود.

فرد مصرف‌کننده شیشه، هنگام خروج همسر خود از خانه دچار این افکار و توهم می‌شود که همسر وی در حال خیانت به او است که از توهم و اعتیاد ناشی از مصرف شیشه نشأت می‌گیرد.

همچنین هذیان در افرادی که شیشه مصرف می‌کنند بسیار شایع بوده و معمولاً به‌صورت تکرار جملات بی معنی و اصرار بر صحیح بودن آنها، بروز می‌کند.